

بسمه تعالی

جلسه مادران عمومی دبستان یک ۱۴۰۲/۸/۲۲

خانم دکتر علی بخشی:

ما به عنوان مادرانی که قرار است نسل آینده کشورمان را تربیت کنیم، برنامه هایی برای این تربیت داریم و به نوعی در کنار مادر بودنمان مربی هستیم و اهداف تربیتی مختلفی داریم.

- **تربیت** لزوماً مانند ساختن اشیاء یا چیزهای دیگر نیست و نیاز به بسترسازی و فراهم کردن شرایط را دارد تا بهترین نتیجه را بتوان از آن گرفت. زیرا با موجودی به نام انسان طرف هستیم که ابعاد وجودی مختلفی دارد.

- آموزش و پرورش ۶ مورد برای سند تحول هویت فردی نام برده است: تربیت علمی و فناوری- تربیت سیاسی- تربیت اعتقادی و عبادی- تربیت اقتصادی- تربیت زیباشناختی و هنر- تربیت زیستی و بدنی- تربیت حرفه‌ای اگر از این ۶ مورد و در کنار ابعاد هویت اجتماعی و خانوادگی استفاده کنیم و برای آنها برنامه‌ای تهیه کنیم می‌توانیم شخصیت فرزند خود را به درستی شکل دهیم.

- وقتی که بخواهیم هویت یک نفر را بسازیم باید به نیازهای او اهمیت بدهیم و نیازهای او را بشناسیم. اکثر نیازهای فرزندان مربوط به بعد زیستی و بدنی و اقتصادی می‌شود

- آیا در مورد برطرف کردن نیازها دین و مذهب حرف یا نظری دارد؟

بله هم دین در مورد این موضوع سخنی دارد و هم علم روانشناسی. اگر بخواهیم نظرات برجسته روانشناسی را در این مورد نام ببریم می‌توانیم به **هرم نیازهای مازلو** یا **ویلیام گلسر** اشاره کنیم. هرم مازلو می‌گوید اگر بخواهیم که یک شخص در زندگی به درجه خوبی از رضایت‌مندی برسد باید این پنج گروه از نیازها را در نظر گرفت:

۱- نیازهای فیزیولوژیک (خواب-خوراک-پوشاک و نیازهای ظاهری که ما بیشترین درگیری را با آنها داریم).

۲- امنیت (امنیت بدنی- امنیت اخلاقی- امنیت خانوادگی- امنیت روانی)

۳- عشق و تعلق (علاقه و پذیرفته شدن در اجتماعی که در آن حضور داریم)

۴- احترام (عزت نفس هر چقدر بیشتر باشد به قله و خودشکوفایی نزدیک‌تر می‌شویم)

۵- اخلاقیات

* هنگامی که ما از زندگی خودمان احساس رضایت نکنیم یعنی یکجا از این نیازها به مشکل خورده یا دچار مشکل شده‌است. جایگزین کردن این نیازها نیز لزومی ندارد و حتی می‌تواند مضر هم باشد.

*- طبق آیات قرآن نیازهایی مانند: **خوردن و آشامیدن- لباس و پوشاک- مسکن- ازدواج- محبت و**

عشق- خیر و فضیلت- جمال و زیبایی- علم و دانش نیز وجود دارد و لازم است.



- کلمه نیاز و خواسته دو کلمه و دو مفهوم متفاوت هستند. خواسته از طلب کردن و میل می آید. خواسته های فرزند ما می تواند از بدو تولد و الگو گرفتن از رفتار ما شکل بگیرد و این امر باعث مصرف گرایی شود برای همین است که والدین مسئولیت دارند قبل برآورده کردن نیازهای فرزندان خود ابتدا به این فکر کنند که کار من یا برآورده کردن این نیاز چه پیامدهایی می تواند داشته باشد. اگر در مورد این موضوع به اندازه کافی تفکر صورت نگیرد می تواند موجب زیاده خواهی، ناز پروردگی، عدم مسئولیت پذیری، قدرشناسی، احساس نارضایتی دائمی و ... می شود و موجب اختلال و از بین رفتن عزت می شود، حسادت فرزند را افزایش می دهد و یا دچار اعتماد بنفس کاذب و غرور می شود و اگر در آینده مهارت یا برتری بدست آورد دائماً به فکر پز دادن و یا سرکوفت زدن دیگران است و این موضوع تا آخر بر روی فرزند تأثیر خواهد گذاشت. (بچه ای که از همان ابتدا از هر چیزی به مقدار زیاد در دست داشته است، تنوع طلب می شود و این امر بر روی زندگی مشترک او نیز تأثیرات مخربی و عدم تعهد را اعمال می کند) اما لزوماً ایراد نمی تواند از خود فرزند باشد و یا اینکه ما بگوییم فرزند خود را کنترل خواهیم کرد کاملاً درست نیست زیرا گاهی می شود که خود والدین نیز نیاز به کنترل و اصلاح جدی دارند.

* اگر فرزندان در سنین پایین دچار این موضوعات شدند می توان آنها را با شیوه های درست تربیت به مرور و به آرامی تغییر داد. همانطور که عادت های بد هم به مرور در افراد شکل می گیرد. یکی از روش هایی که می تواند برای اصلاح این امر مؤثر باشد دادن مسئولیت به فرزندان است، به تعویق انداختن خرید یا تهیه کردن خواسته های لحظه ای یا از روی هوس نیز یکی دیگر از این راه ها است مثلاً زمان خاصی را در ماه برای هر خریدی که دارید مشخص کنید یا اگر چیزی توجه شما یا فرزند را جلب کرد بگویید فردا برمی گردیم و تهیه می کنیم یا روش دیگر اینکه از خودمان پرسیم که اگر این جنس یا خوراکی را الان نخریم چه می شود. در یک خانواده که پدر الگو است نباید به هیچ عنوان برای اصلاح اقتدار پدر را زیر سوال برد حتی اگر رفتار پدر موجب بدآموزی شود. برای این مورد نیز می توان با پدر در خلوت صحبت کرد یا در امر تربیت تقسیم مسئولیت کرد که هر کدام از والدین یک بخش از تربیت را برعهده بگیرد.

آقای دکتر اردیبهشت:

(آینده از آن کسانی است که بتوانند آن را تصور کنند. این جمله پر از مطالب آموزنده است) داوینچی هر چیزی را که می توانست در ذهن خود تصور کند یا می ساخت یا نقاشی آنرا می کشید. ما انسان ها چیزی را که نتوانیم تصور کنیم نمی توانیم بسازیم، حال که اینقدر تصور مهم است کدام اثر یا کتاب است که بتواند قدرت تصور خودمان یا فرزندانمان را افزایش دهد و به آنها کمک کند که این قدرت را پرورش دهند. خواندن رمان، شعر داستان، کتب علمی، انجام کارهای هنری، انشاء و ... از جمله کارهایی است که می تواند به افزایش قدرت تصور ما کمک کند اما متأسفانه این اعمال، اعمالی هستند که نسبت به فعالیت هایی مانند کار با موبایل کمتر مورد توجه قرار می گیرند. انشاء به معنای بوجود آوردن است. وقتی ما چیزی را که در دنیای حقیقی وجود ندارد و ملموس نیست را



تصور می‌کنیم و درمورد آن چیزی می‌نویسیم، در واقع درحال پرورش دادن قدرت تصور خود هستیم. حالا فرد در صورتی می‌تواند نوشتن درست و اصولی داشته‌باشد که مطالعه منظم و اصولی داشته‌باشد. گفتن و تذکر دادن دائمی ما برای مطالعه کردن فرزندانمان بدون قاعده تنها می‌تواند موجب خستگی ما و فرزندانمان شود پس آنچه بیشتر برای این امر لازم است یادگیری از والدین است. هنگامی که ما خود به مطالعه و خواندن کتاب پردازیم، فرزندان نیز به مطالعه علاقه‌مند شده و سعی می‌کنند از ما الگو بگیرند ولی در حالت برعکس وقتی در خانه والدین علاقه‌ای به مطالعه نداشته‌باشند حال هرچقدر که به فرزندان بگویند تاثیری ندارد زیرا فرزندان درک انتزاعی ندارند. ما باید به تاثیر حرف‌های خودمان دقت داشته‌باشیم و حتی خودمان را نیز در مسیر تربیت قرار بدهیم و از کتاب‌های مرجع مانند قرآن و ... نهایت استفاده را ببریم. اگر ما از زمینه‌ها و ظرفیت‌ها به صورت درست استفاده نکنیم نمی‌توانیم انتظار تربیت درست را نیز داشته‌باشیم. گاهی برخی تصورات کودکان برای بزرگترها قابل درک نیست و باید از منظر خود کودکان به آن نگاه کرد ولی این قابل درک نبودن یا متفاوت بودن آن با تصورات بزرگترها به این دلیل نیست که تصورات کودکان اشتباه است یا اینکه آنها هم باید حتماً مثل بزرگترها فکر کنند، مانند نقاشی شازده کوچولو که مار آبی رنگ را مانند یک کلاه کشیده بود ولی می‌توان گفت که تصور او این است ولی تمام بزرگسالان بعد از دیدن نقاشی او می‌گفتند که این یک کلاه است و شازده کوچولو مدام با آنها مخالفت می‌کرد. ما هم هنگامی که با کودکان سروکار داریم باید بتوانیم خودمان را به دنیا و دیدگاه آنها نزدیک‌تر کنیم.

ما باید قبل از حرف زدن هم فکر کنیم و بعد تصمیم بگیریم که آن سخن را بگوییم یا نه. این یکی از مسئله‌های مهم این روزهای جامعه ما است و بیشتر مشکلات امروزه نیز از همین مبحث سرچشمه می‌گیرد. گفت‌وگوهای دسته‌جمعی یکی از افعال مهمی است که خانواده‌ها باید زمان مناسبی را به آن اختصاص دهند. ما در تمام طول عمر خود نیاز به یادگیری و آموختن داریم و این نیاز در هیچ موقع از عمر از بین نمی‌رود.

* گاهی در برخی خانواده‌ها فرزندان وجود دارند که وقتی به مدرسه دیر می‌رسند دچار آشفتگی می‌شوند و دائماً این استرس را دارند که نکند معلم چیز مهمی را در زمان غیبت او گفته و او به آن مبحث نرسیده باشد حتی اگر کلاس هنوز شروع نشده‌باشد و بحثی بازگو نشده‌باشد.

* صبحانه خوردن نیز یکی از مهم‌ترین کارهایی است که فرزندان باید انجام دهند، زیرا از شب قبل تا صبح چیزی میل نکردند و سلول‌های آنها نیاز به مواد مغزی دارد تا بتواند سرکلاس عملکرد خوبی داشته‌باشد زیرا گرسنگی معده می‌تواند مستقیم بر روی مغز تاثیر بگذارد.

* نوشتن روزانه حداقل چهار خط ولی با دقت بعد از چند ماه می‌تواند رشد شایانی بر روی کیفیت دست‌خط کودکان بگذارد و به وضوح قابل مشاهده است. ولی این تمرین نیز باید کم‌کم انجام شود تا کودک زود خسته نشود.

(کتاب تربیت در افق عاملیت انسان) کتاب بسیار مفیدی برای تربیت فرزندان است.

آقای دکتر غفاری:

از والدین محترم انتظار می‌رود همانطور که مشاورین در جلسات گوش شنوای خوبی هستند، والدین نیز به همان صورت شنوای خوبی برای حرف‌های مشاورین و مربیان باشند و مطالب و توصیه‌های مهم را به گوش بسپارند و یادداشت کنند و همکاری داشته باشند. قابل ذکر است تمام محتوای جلسات مشاوره که انجام می‌شود محرمانه است و معلمان و مدیر تنها گزارش متناسب با موقعیت، بدون ذکر نام و مختصری دریافت می‌کنند.

* در بحث نقصان توجه لزوماً ذهن نباید سمت بیش‌فعالی برود و این همیشه وجود ندارد که وقتی دانش‌آموزی در منزل مشکلاتی دارد، در مدرسه نیز مشکلات به همان صورت باشد. برای مثال مادر گزارشی را بیان می‌کند ولی معلم تابحال این مورد را مشاهده نکرده است گزارش متفاوتی می‌دهد.

کودکان یاد گرفتند تا در برخی موارد خواسته‌های منطقی یا غیرمنطقی خود را با گریه، پرخاشگری، آسیب‌های جسمی و ... از خانواده بخواهند و به هدف خود برسند و چون چندین بار با این روش به هدف خود رسیدند این تفکر در آنها تقویت شده که هر بار می‌توانند با این روش به خواسته خود برسند اما در برخی شرایط لازم است که والدین با این مسئله برخورد قاطع داشته باشند حتی اگر مسائل عاطفی مانند گریه بچه مانع این موضوع شود. ما نباید طبق سلیقه نادرست فرزند پیش برویم بلکه باید سعی کنیم سلیقه او را تغییر دهیم چون اگر این موضوع در سنین پایین رفع نشود در مقاطع بالاتر قطعاً با مشکل روبرو خواهیم شد و منبع کنترل فرد بیرونی می‌شود.

در منبع کنترل درونی، فرد به خود متکی است و حل کردن مشکلات را وظیفه خود می‌داند ولی در بیرونی فرد متکی به محرک‌های بیرونی مانند پدر و مادر و عوامل محیطی دیگر است، این موضوع موجب ایجاد وابستگی شدید و اختلال رفتاری می‌شود و اولین اثر آن در نوجوانی با پایین آوردن عزت نفس و ترس از مسئولیت پذیری نمایان می‌شود و فردی که اعتماد به نفس نداشته باشد نمی‌تواند در امور زندگی موفق باشد. پس از دوران کودکی باید بر روی این موضوع کار کرد.

پایان جلسه دبستان یک

۱۴۰۲/۸/۲۲